



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۷ فبروری ۲۰۲۰



خلیل الله معروفی

افغانستان گلستان اقوام



"افغانستان گلستان اقوام" عنوان یک "کتاب" است و عنوان یک "مقاله" نیز. در واقع "عنوان همان یک مقاله" بود، که به حیث "عنوان کتاب" هم پذیرفته شد. وطن عزیز ما "افغانستان"، از بیشتر از چار دهه بدین سو در محراق چندین بحران میسوزد. من شخصاً مانند همه افغانان و طنخواه دیگر، نمیتوانم مقوله "بحران هویت" را برای ملت و مردم نجیب ما بپذیرم، اما دشمنان خبیث و بدخواه افغانستان، از طریق و از کانال فرزندان نمک حرام و ناخلف وطن ما، چنین موضوعی را علم کرده، به میدان انداخته اند. تعداد ناچیزی از افغانان، به تحریک بیگانگان و در رأس همه، به تحریک رژیم "فاشیستی - آخوندی ایران"، وارد صحنه گشته گفتند:

«ما "افغان" نیستیم ولی چون در "افغانستان" زندگی میکنیم، پس باید خود را "افغانستانی" بدانیم!!!»

فرزندان وفادار به وطن و وفادار به "هویت ملی" ما، و در رأس همه، فرزند برومند افغانستان، جناب "ولی احمد نوری"، قد علم کرده و وارد میدان گشتند، تا با یاری و حمایت بیدریغ نویسندگان متعهد دیگر با چنین پدیده شوم و منحوس وارداتی مقابله کرده و این بدعت شنیع و مخرب را از بیخ و بُن برکنند. جنابشان مقاله «استعمال نام "افغانستانی" جرم است» را نوشتند، که در ماه می ۲۰۰۴ در جریده "امید" چاپ کلیفورنیا نشر شد و سرآغاز و سلسله جنبان مقالات بیشمار و طنخواهان گردید. همین مقاله منحصر به فرد بود، که سیل مقالات را در جراند و صفحات انترنتی خارج از وطن به دنبال خود کشاند. جناب "نوری" مگر بدین بسنده نکردند، بلکه تصمیم گرفتند، تا مجموعه تمام این مقالات متقابل - یعنی مقالات "له و علیه" - را ضمن کتابی مدون ساخته و وسیعاً در دسترس هموطنان داخل و خارج قرار بدهند. این کتاب به پول شخصی "جناب نوری صاحب" در بهار سال ۲۰۰۸ عیسوی در "انتشارات بامیان" مقیم شهر "لیموز" فرانسه و به همت عالی جناب "عارف عزیز گذرگاه" چاپ گردید.

اصلاً قرار بر آن بود، که این کتاب به نام "افغان و افغانستان" مسما گردد، مگر مقاله ای، که از قلم این راقم زیر عنوان "افغانستان گلستان اقوام" رقم پذیرفت، چنان به دل جنابشان چنگ زد، که تصمیم گرفتند عنوان مقاله را، عنوان کتاب نیز بسازند. همین مقاله "افغانستان گلستان اقوام" بود، که به حیث اولین گفتار، درج این کتاب مستطاب گشت. از انصاف نگنرم، که مفاکوره "افغانستان گلستان اقوام" را از نقشه زیبایی، که به قلم موی سحر نقاش پیروزمند وطن، جناب "حفیظ الله پاکزاد"، الهام گرفته ام، که نقشه وطن را با انواع گلها، مطمئن ساخته بودند.

ضمن این مقاله وطن عزیز ما "افغانستان" به یک "گلستان" تشبیه شده است، که مشحون است از انواع گل؛ و هر "قوم" عزیز

وطن در آن حکم یک نوع "گل" را به خود گرفته. خوشحالم و به خود سخت میبالم، که متن و بطن و روحیه و لب و لباب مفکوره "افغانستان گلستان اقوام" اینک سر زبانهای وطنداران ارجمند داخل و خارج وطن افتاده و عام گشته است. و خوشحالم، که با تقدیم این تحفه بسیار کوچک و قلیل، به پیشگاه ملت بسیار بزرگ و جلیل افغانستان، دین وجدانی خود را اداء کرده ام؛ دینی را، که از اعماق قلب و روح و روانم سرچشمه گرفته است.

در شرائط ناهنجار سیاسی جاری، که دشمنان وطن، میخواهند افغانستان عزیز و به جان برابر و بلکه بالاتر از جان ما را، بز صحنه تقابل و مقابله و خداناکرده "صحنه مقاتله اقوام محبوب و نجیب ما" قرار بدهند، بر خود فرض دانستم، تا آن مقاله را یک بار دیگر از طریق "آریانا افغانستان آنلاین" و به طور وسیع، منتشر گردانم.

قابل تذکر میدانم، که این مقاله به تاریخ ۱۸ نومبر ۲۰۰۶ روی کاغذ الکترونیک آمده و علاوه ازین، که در پورتال خود ما؛ یعنی "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر شد، یکبار در صفحه ۱۲ اپریل ۲۰۱۸ و بسایت رزین "آریانا افغانستان آنلاین" نیز منعکس گشته است. جهت ادای امانت، آن مقاله را با تمام مراتبش، مجدداً و بعینه اشاعه میدهم.

(خلیل الله معروفی - همبورگ - ۲۵ فبروری ۲۰۲۰)

برلین - دوازدهم اپریل ۲۰۱۸

خلیل الله معروفی

افغانستان گلستان اقوام و کلباغ زبانهها و فرهنگها

یادداشت:

پیش از این، که دوست گرامی، وطنخواه و افغان دوست من، "جناب ولی احمد نوری"، تصمیم به نشر تمام مندرجات کتاب "افغانستان گلستان اقوام" در "آریانا افغانستان آنلاین" بگیرند، یادداشت آتی را به تاریخ ۲۳ مارچ ۲۰۱۸ نوشته بودم: کتاب مستطاب دوست عزیزم، مؤلف ارجمند، جناب ولی احمد نوری را ورق میزدیم، که مجموعه ای ست از مقالات نویسندگان دیدهای متفاوت در یک موضوع. اولین مقاله زیر عنوان "افغانستان گلستان اقوام"، اتفاقاً از خامه این درویش تراویده و افتخار نشر را درین کتاب، که به عین عنوان مسما گشته، یافته است. چون این مقاله - مانند مقالات بسیار بیشتر دیگر - تاحال مجال نشر را در "آریانا افغانستان آنلاین" نیافته است، بر آن بودم، تا آن را به حیث پیک و برید سلسله مقالات "افغان، افغانی، افغانستانی" خود نشر نمایم. این مقاله را ازین خاطر در صدر این سلسله جای میدهم، که سلسله جنبان و مُمَثَل وحدت ملی و برادری اقوام گرامی و همدل وطن محبوبم، افغانستان، و بالآخر - "برادری و برابری تمام افراد این خاک پاک" - شمرده شده میتواند.

(خ. معروفی - برلین - ۲۳ مارچ ۲۰۱۸)

و اینک اصل مقاله مؤرخ ۱۸ نومبر ۲۰۰۶ با اندک دستکاری املائی:

خطه مقنن ما "افغانستان"، گلستانی را ماناست، که در آن هر قوم حکم گلی را دارد. همان گونه، که در "باغ گل" و "کلباغ" و "گلستان" انواع گل میرویند و هر گل زیبایی خاص خود را دارد، در حدی، که نتوان گفت، کدام گل قشنگتر است؛ اقوام

عزیز وطن نیز گل‌های رنگارنگ و مُعْتَبِر "گلستان افغانستان" اند، که هیچ یک را نمیتوان زیباتر و عنبرین تر از دیگری خواند. پس فرق در تفاوت زیباییها نیست، و اگر فرقی هست، فقط در کمیّت و تعداد گل‌های هر نوع است. همان گونه، که یک "گل" به تنهایی فقط یک گل است و شوکت "گلستان" را ندارد، اقوام عزیز ما نیز هیچ کدام به تنهایی، مُؤدّی و بیانگر و مُعَرّفِ سَطوت و عَظْمَتِ "گلستان وطن" بوده نمیتوانند. به تحقیق و هرآینه، که زیبایی و زیبائی شان در "یکجای بودن" و "باهمی" ایشان است. "سر به هم آورده بودن" برگ‌های غنچه است، که غنچه را غنچه ساخته است، ورنه هر برگ غنچه، برگی بیش نیست.

اقوام برادر این وطن را چون گلبرگ‌های یک گل باید شمرد، که نور "محور دل" جمع شده اند؛ و یا برگ‌های غنچه ای، که یکدل اند و همدل. و چه خوش فرمود شاعری شیرین کلام، که:

سر به هم آورده دیدم، برگ‌های غنچه را

اجتماع دوستان یکدم آمد به یاد^۱

این "محور" و این "دل" چیزی دیگر نیست، مگر محور "هُویّت ملی" ما، که "هُویّت افغانی" ماست. در عالم کشورهای بسیاری را میتوان سراغ کرد، که متشکل از اقوام مختلف اند، ولی کم اند ممالکی با موزائیک زبانها و فرهنگ‌های کشور ما. اقوام وطن با وجود فرهنگ‌های متفاوت و خاصّ و منحصر به خود، همه زیر چتر یک فرهنگ عمومی و جمعی می‌آیند؛ زیر چتر "فرهنگ افغانی". دقیقاً همان گونه، که افغانان در پهلوی زبانهای خاصّ خود، به یکی از دو زبان بزرگ، فراگیر و رسمی وطن - دری و پشتو - و یا هر دو، نیز تکلم میکنند و یا با آنها بلدیت عامّ و تامّ دارند. تنوع زبانها و فرهنگ‌هاست، که به افغانستان، رونق و طراوت گلستانی داده و این موزائیک یکدل و یک‌محور را به وجود آورده است.

افغانستان گلستان اقوام



^۱ - این بیت سخنگوی را، که شاعرش را نمیدانم، از زبان پدر فاضل بزرگوارم - که خاطره عزیز شان را مُدّام مُکَرّم میدارم - شنیده ام.

نشان دست و انگشت نقاش زبردست افغان مقیم پاریس - آقای "حفیظ الله پاکزاد" - را، که "گلستان وطن" را با قلم موی سحر خویشت روی پرده کشیده است، زیور این سطور ساختم. محترم "پاکزاد" اصلاً این اثر نقاشی خود را وقف کتابی زیر عنوان "افغان و افغانستان" ساخته اند، که به همت فرزند برومند افغان، "جناب ولی احمد نوری"، زیر کار است و به زودی زود در دسترس افغانان و دیگر علاقه‌مندان افغانستان، قرار خواهد گرفت. از "نوری صاحب بزرگوار" سپاسگزارم، که اجازه دادند، تا "نقشه گلستانی" افغانستان، اورنگ و زیب این نوشته گردد.

تذکر:

اصلاً در نظر بود، که کتاب عنوان "افغان و افغانستان" را به خود بگیرد، اما بعد از اشاعه مقاله حاضر، فُرعه فال عنوان، به نام "افغانستان گلستان اقوام" زده شد!!!

